

مقاله پژوهشی: تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی

ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا

(با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق)

دکتر سید جلال دهقانی فیروز آبادی^۱ - محمد فتحعلی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۲۵

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۲

چکیده

تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، فرصت ارزشمندی برای ترکیه جهت پیش‌برد راهبردهای این کشور و حزب عدالت و توسعه برای افزایش نقش و نفوذ خود در سطح منطقه فراهم ساخت. برخی این گرایش ترکیه را در چهارچوب تمایلات رهبران اسلام‌گرای این کشور برای احیای امپراتوری اسلامی عثمانی و برخی با استناد به ایده توسعه « عمق استراتژیک » و نیز « متوازن سازی » را موثر دانسته‌اند. طبعاً رویکردها و سیاست‌های ترکیه با توجه به کوشش این کشور در بهره‌برداری از تحولات، برای ارتقاء موقعیت و منافع منطقه‌ای و جهانی خود، بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه ترکیه اثر خواهد گذارد. پژوهش حاضر می‌کوشد از رهگذر بررسی پیامدهای این تحولات بر منطقه، جهان و به ویژه تهدیدها و فرصتهای فراروی کشورمان، با رویکردی آینده‌نگرانه، سناریوهای محتمل را شناسایی نماید. در مطالعه ادبیات، با الهام از روش ترکیبی آمیخته کیفی و کمی، پژوهش‌ها و اسناد در دسترس مربوط به سیاست‌ها و اقدامات ترکیه در قبال تحولات کشورهای مورد نظر مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به منظور دستیابی به دانش ضمنی موجود در این زمینه با خبرگان موضوع، مصاحبه عمیق نیمه ساختار یافته انجام شد. تحولات خاورمیانه فرصت‌های متعددی را فراروی ترکیه قرار داد که برآیند کلی آن افزایش بازیگری این کشور در عرصه تحولات منطقه است. اتخاذ رویکرد فعال در قبال تحولات و پرهیز از راهبرد عدم دخالت برای کشورمان به عنوان یک ضرورت تلقی می‌گردد. با توجه به آثار و پیامدهای تحولات بر آینده منطقه، بی‌توجهی به آن خسارتهای جبران‌ناپذیری را بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران در آینده وارد می‌سازد.

کلید واژه‌ها: تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا، ترکیه، حزب عدالت و توسعه

۱. دانشیار دانشگاه علامه طباطبایی

۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول)

شمال آفریقا و غرب آسیا از مهم ترین مناطقی است که تاثیرات تعیین کننده یی بر معادلات جهانی می گذارد. شمال آفریقا شامل کشورهای مصر، سودان، تونس، الجزایر، لیبی مراکش است که پیوندهای جغرافیایی و سیاسی - امنیتی گسترده یی با یکدیگر و با کشورهای غرب آسیا دارند. منطقه ی شمال آفریقا هر چند از نظر جغرافیایی از منطقه ی غرب آسیا جدا افتاده و جزیی از قاره ی آفریقا به شمار می آید، اما وجود دین اسلام، مساله ی فلسطین و عربیت پیوندهای نزدیکی میان این دو منطقه ایجاد کرده و باعث شده است از کل این مجموعه با عنوان منطقه ی «خاورمیانه و شمال آفریقا» نام برده شود. بر اساس این پیوندها بود که شروع خیزش های مردمی در تونس در اواخر سال ۲۰۱۰ میلادی (۱۳۸۹ ه.ش) به گسترش آن به دیگر کشورهای عربی منجر شد.

ترکیه در غرب آسیا به عنوان یک بازیگر قدرتمند در منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی و به عنوان کشوری همسایه و مسلمان، دروازه اروپایی ایران محسوب می شود و درعین حال طی دهه های گذشته شریک مهم تجاری ایران بوده است. ایران نیز تأمین کننده قابل اعتماد نفت و گاز و شریک معتبر تجاری - اقتصادی ترکیه بوده، و دو کشور در دوران قبل از انقلاب در بلوک غرب و در پیمان نظامی سنتو قرار داشتند، و از اصول سیاسی آمریکا در مهار کمونیسم موسوم به سد نفوذ پیروی می کردند. بطوری که روابط دو کشور طی سالهای ۱۹۲۴ تا ۱۹۸۰ میلادی (۱۳۵۸ ه.ش) از سطح راهبردی برخوردار بود.

از نوامبر ۲۰۰۲ میلادی (۱۳۸۱ ه.ش) بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه در ترکیه، این حزب با راهبرد احیاء و تقویت پیوندهای دیرین با حوزه ی جنوب و شرق امپراطوری عثمانی در صدد تقویت نقش و نفوذ این کشور در حوزه های مختلف جهان اسلام، به ویژه غرب آسیا و شمال آفریقا برآمدند. برخی این گرایش را در چهارچوب تمایلات رهبران اسلام گرای این کشور برای احیای امپراتوری اسلامی عثمانی و برخی با استناد به ایده توسعه « عمق استراتژیک » و نیز «متوازن سازی» را در این زمینه موثر دانسته اند. برخی نیز براین اعتقادند که ترکیه در پی گیری این اهداف از انگیزه های رقابت با ایران نیز برخوردار است. لذا مجموعه این عوامل ترکیه را به یکی از مهمترین کشورهای

تاثیر گذار در جنبش‌های مردمی در کشورهای شمال آفریقا و غرب آسیا که در سال ۲۰۱۰ (۱۳۸۹ ه.ش) شروع شد، مبدل ساخت.

رویکردها و سیاست‌های ترکیه در قبال کشورهای مورد پژوهش از یک‌سو تأثیرات زیادی بر تحولات هریک از کشورهای فوق برجای گذاشت و از سوی دیگر با توجه به کوشش این کشور در بهره‌برداری از تحولات، برای ارتقاء موقعیت و منافع منطقه‌ای و جهانی خود، بر منافع و امنیت جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان همسایه ترکیه اثر خواهد گذارد. فرصتی که می‌تواند تناسب و وضعیت دو کشور رقیب را نسبت به یکدیگر تغییر داده و معادله را به زیان جمهوری اسلامی ایران تغییر دهد. علاوه بر این، این تحولات موجب شکل‌گیری اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با محوریت ایران و ترکیه شده است.

بر اساس آنچه بیان شد مساله اصلی تحقیق حاضر «معلوم نبودن ابعاد و چگونگی نقش و تاثیرگذاری ترکیه بر تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق» است. این مساله از آن جهت اهمیت دارد که این تحولات علاوه بر ایجاد تغییرات در این کشورها، کل منطقه و مناطق مجاور جهان را مستقیم و غیرمستقیم متأثر ساخته است و موقعیت دو رقیب دیرین نسبت به یکدیگر را تحت تاثیر قرار داده و از این رهگذر ممکن است منافع و امنیت ملی کشورمان را متأثر سازد. ضمن آنکه به نظر می‌رسد تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و طراحی راهبردهای مناسب کشورمان در قبال کشورهای مد نظر این پژوهش (تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) و ترکیه، مستلزم بازشناسی این تحولات و نقش ترکیه در آنها است.

پژوهش حاضر می‌کوشد از رهگذر بررسی اهداف و مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، الگوهای رفتاری و عوامل موثر بر نوع رویکرد و سیاست‌های آن در قبال تحولات در کشورهای مورد نظر را شناسایی نماید. همچنین با شناسایی و ارزیابی پیامدهای این تحولات بر منطقه، جهان و به ویژه تهدیدها و فرصتهای فراروی کشورمان، با رویکردی آینده‌نگرانه، سناریوهای محتمل را شناسایی نماید. ضمناً یافته‌های تحقیق می‌تواند در جهت تقویت جبهه مقاومت و یافتن راه حل‌های سیاسی مناسب بحران سوریه مساعدت

نماید. به اعتقاد اندیشمندان، منطقه، در پیچ تاریخی قرارداد و برآیند تحولات کنونی چهره آینده آن و موقعیت بازیگران اصلی و سایرین را تعیین خواهد کرد. بدون شناخت واقعی از صحنه از طریق مطالعه روشمند علمی و کاربست نتایج، نمی‌توان آینده‌ای مطلوب و تأمین‌کننده منافع و امنیت ملی کشورمان را برای نسل کنونی و نسلهای آینده تضمین کرد.

پیشینه تحقیق

جدول شماره ۱: خلاصه مطالعات در زمینه نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق).

نویسندگان	عنوان مطالعه	مهمترین یافته‌ها
فاطمه عالی‌شاه آرات بنی ۱۳۹۴	دستاوردهای جریان بیداری اسلامی و چشم انداز آن در خاورمیانه	بیداری اسلامی تغییرات در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی را موجب گردید. مبنا و پایه جریان بیداری اسلامی در حال شکل‌دهی آینده‌ی جهان اسلام است. واقعیت آن است که در بلندمدت دستاورد غیرقابل انکار بیداری اسلامی، آگاهی مردم نسبت به حقوق و سرنوشت خویش است.
ولی گل محمدی - ۱۳۹۵	سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه (۲۰۱۶-۲۰۲۰) و چشم‌انداز آن	در پی وقوع تحولات انقلابی در خاورمیانه عوامل متعددی از جمله تغییر در واقعیت‌های ژئوپلیتیک منطقه، محدودیت در قدرت ساختاری ترکیه، حاکم شدن گفتمان نوع‌نمان‌گرایی بر نظام تصمیم‌گیری این کشور و ارزیابی نادرست رهبران حزب عدالت و توسعه از تحولات، موجب تغییر در رویکرد سیاست خارجی ترکیه و امنیتی‌تهاجمی شدن سیاست خارجی این کشور گردید.
پژوهشگران دانشگاه بارایلان رژیم صهیونیستی، ترجمه غلامرضا رفعت نژاد- پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۱	سیاست خارجی ترکیه در قبال کشورهای خاورمیانه	سیاست خارجی ترکیه پس از حصول نسبی اهداف تدوین شده در زمان آتاترک، امروز در پی بدست گرفتن رهبری منطقه برآمده است. غرب و ایالات متحده در جهت مهار تمایلات قدرت‌طلبانه ترک‌ها و قرار دادن این تمایلات در مسیر منافع خود، طرح خاورمیانه بزرگ را ارائه دادند که ترکیه در آن محوریت می‌یابد.

نویسندگان	عنوان مطالعه	مهمترین یافته ها
سعد الله زارعی و همکاران ۱۳۹۲	بررسی تحولات منطقه عربی و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران و ارائه راهبرد	فروپاشی نظام‌های خودکامه مهمترین پیامد تحولات بوده است. درعین حال این تحولات بر محور مقاومت، رژیم صهیونیستی، سازمانهای منطقه‌ای و قدرت و نفوذ امریکا در منطقه تأثیر گذاشته است. راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در چارچوب اهداف بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت قابل دسته‌بندی است: تقویت گفتمان انقلاب اسلامی به گفتمان حاکم بر جهان اسلام، مهار تحرکات تفرقه افکنانه مذهبی در جهان اسلام، شکل دهی بلوک اسلامی جدید از طریق گسترش پیمانهای سیاسی، نظامی و امنیتی، پیگیری گفتمان تقریب مذاهب، مهار مداخله غرب در منطقه از طریق تقویت محور مقاومت و....
هیثم سعد عبدالله ۲۰۱۶	منابع تغییر سیاست خارجی ترکیه نسبت به غرب آسیا در دوره حزب عدالت و توسعه (مطالعه موردی)	با روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه وارد مرحله جدیدی شد و شاهد تغییراتی در زمینه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی شد. در این راستا روابط ترکیه با کشورهای غرب آسیا توسعه یافت و نقش آن ارتقا یافت. بهترین راه برای درک تغییرات سیاست خارجی ترکیه از طریق شناخت نقشهای چندگانه اقتصادی سیاسی داخلی و خارجی ترکیه به علاوه منابع اعتقادی و نقش آفرینی سیاست مداران بخصوص شخص رجب طیب اردوغان و احمد داوود اوغلو است.
سید مصطفی مدنی ۱۳۸۷	نقش ترکیه در تهاجم احتمالی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و راهکارهای مناسب در قبال آن	فاصله امتیازی قدرت ملی ترکیه با ایران اندک است که در صورت تهاجم نظامی آمریکا به ایران و دریافت پاداش‌های اقتصادی، سیاسی، و ژئوپلیتیکی توسط ترکیه در قبال همکاری با این تهاجم، تعادل قدرتی منطقه از وضع موجود- به نفع کشور ترکیه- برهم خواهد خورد. وقوع این تهاجم و همکاری ترک‌ها ممکن است به ضرر منافع اقتصادی این کشور تمام شود.
علی عبدالله خانی ۱۳۸۸	طراحی الگوی امنیت منطقه‌ای برای محیط خاورمیانه متناسب با رویکرد جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر چالش‌های امنیتی آن	بالاترین انطباق و هماهنگی در حال حاضر میان الگوی امنیتی هژمونیک و رویکرد خاورمیانه نوین وجود دارد. رویکرد خاورمیانه عربی رویکردی منطقه‌گرا منهای ایران، ترکیه و رژیم صهیونیستی است و با الگوی اجتماع امنیتی بیشترین انطباق و هماهنگی را دارد. الگوی مطلوب جمهوری اسلامی ایران یک الگوی ترکیبی از الگوی اجتماع امنیتی کثرت‌گرا و الگوی موازنه‌قوا یعنی الگوی استمرار و تغییر است.

مهمترین یافته ها	عنوان مطالعه	نویسندگان
<p>مهمترین عوامل ژئوپلیتیکی ترکیه مؤثر بر تدوین راهبرد دفاعی ج. ا. ایران عبارتند از: نقش و علائق ژئوپلیتیکی سوریه در تعاملات ایران و ترکیه - نقش و علائق ژئوپلیتیکی ارمنستان در تعاملات ایران و ترکیه - نقش و موقعیت ارتباطی ترکیه بین ایران و اروپا - نقش و علائق ژئوپلیتیکی عراق در تعاملات ایران و ترکیه - شبکه‌های ارتباطی، حمل و نقل و خطوط انتقال کالا و انرژی در ترکیه - وضعیت جغرافیای طبیعی (آب) ترکیه - وجود گروه‌های معارض مشترک - وابستگی اقتصاد ترکیه به صنعت توریسم و گردشگری و تجارت خارجی</p>	<p>بررسی عوامل ژئوپلیتیک ترکیه و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران</p>	<p>خسرو بوالحسنی ۱۳۹۲</p>
<p>ترکیه کوشیده است تحولات را با سیاست‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و رویکرد اقتصادی خود هماهنگ سازد تا قدرت سیاسی و اقتصادی خود را در منطقه افزایش و توان چانه‌زنی در مقابل اتحادیه اروپا و ایالات متحده و عرصه بین‌المللی بالا ببرد. در این راستا سیستم سیاسی ترکیه که ترکیبی از اصول دموکراسی، لیبرالیسم، سکولاریسم و گرایش‌های اسلام‌گرایانه است را به‌عنوان الگوی مناسب برای دولت‌های برآمده از انقلابها مطرح کرد.</p>	<p>سیاست خارجی ترکیه در تحولات بیداری اسلامی بر مبنای نظریه واقع‌گرایی</p>	<p>مصطفی رنجبر محمدی ۱۳۹۵</p>
<p>تحولات جهان عرب رقابت منطقه‌ای ایران و ترکیه را به اوج رساند، تا آنجایی که حکومت اسلام‌گرای ترکیه اولویت‌های سیاست خارجی این کشور - به صفر رساندن مشکلات با همسایگان - را کنار گذاشت و روابط اش با ایران، عراق و سوریه را قربانی بلندپروازی رهبران حزب عدالت و توسعه نمود. ارزیابی‌ها محاسبات نادرست رهبران ترکیه از رفتار احتمالی ایران و همچنین توانمندی‌های ایران موجب گردید ترکیه در بحران سوریه مداخله نماید و سیاست‌های توسعه طلبانه‌اش را آغاز نماید. ناتوانی ترکیه در دستیابی به اهداف منطقه‌ای‌اش در سوریه و عراق و افزایش هزینه‌های حفظ موازنه و نارضایتی‌های داخلی در این کشور ترکیه را به سمت تعدیل در سیاست‌هایش در منطقه خاورمیانه و تعامل با ایران و پذیرش نقش برتر منطقه‌ای ایران پیش خواهد برد.</p>	<p>تأثیر تحولات جهان عرب بر سیاست منطقه‌ای ایران و ترکیه</p>	<p>سیدحافظ موسوی و همکاران ۱۳۹۵</p>

نویسندگان	عنوان مطالعه	مهمترین یافته ها
محمدرضا کفاش جمشید، ۱۳۹۶	افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه و پیامدهای نظامی - امنیتی آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در شرق مدیترانه (در مقطع زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ میلادی)	افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه پیامدهای امنیتی مهمی از جمله تضعیف الگوی حکومتی جمهوری اسلامی ایران، کاهش نفوذ جمهوری اسلامی ایران، تغییر توازن قوا و تغییر ترتیبات امنیتی به ضرر جمهوری اسلامی ایران در پی دارد. همچنین می‌توان گفت افزایش قدرت منطقه‌ای ترکیه در شرق مدیترانه پیامدهای نظامی جدی در زمینه کاهش پشتیبانی نظامی جبهه مقاومت اسلامی و تضعیف جایگاه نظامی جمهوری اسلامی ایران بدنبال دارد.
بشیر اسماعیلی و همکاران ۱۳۹۵	افول و زوال مدل ترکیه در خاورمیانه	با وقوع انقلابهای عربی و ایجاد تحول در ساختار سیاسی این کشورها، رهبران حزب عدالت و توسعه این فرصت را مغتنم شمردند تا مدل حکومتی خود را صادر نمایند. بروز تنشهای داخلی و مداخله در بحران سوریه، افول سیاست خارجی ترکیه را به دنبال داشت. تنش ترکیه با سوریه به درگیری با روسیه و بروز اختلافات با ایران انجامید و در کنار همکاری با داعش افتضاح سیاسی را برای اردوغان پدید آورد. اصلاحات سیاسی مدنظر اردوغان و حرکت به سمت فردی شدن حکومت، که با استعفای اوغلو شروع و با اقدامات پساکودتایی در حال تکوین است، مدل حکومتی ترکیه را تحت الشعاع قرار داده است. بدین ترتیب، همه تلاش های ترکیه برای حفظ و بازتولید مدل رو به افول ترکیه در خاورمیانه، در سایه حوادث شگفت آور کودتا در این کشور بی اثر شده اند.

منبع: برگرفته از تحقیق

ادبیات تحقیق

در مورد علل وقوع جنبش‌های اجتماعی اخیر جهان عرب دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. از آغاز حرکات مردمی در خاورمیانه عربی نظریه‌پردازی درباره چیستی و چرایی این جنبش‌ها در میان دانشمندان و نظریه‌پردازان علوم اجتماعی رونق یافته است و انگاره‌های متناقضی درباره تحولات و جنبش‌های اجتماعی در این منطقه مطرح شده است. جنبش‌ها می‌توانند محصول فشارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تنش‌ها و بحران‌ها در جامعه در بلندمدت و کوتاه‌مدت و میان‌مدت باشند. اما از جنبه دیگر این تفاوتها به دیدگاه

نظری مورد استفاده در تجزیه و تحلیل آنها بازمی‌گردد. به بیان دیگر تفاوت در نظریات ارائه شده برای تجزیه و تحلیل وحتى نام‌گذاری این خیزش‌ها ناشی از چارچوب دیدگاه‌های نظری است که برای تجزیه و تحلیل این حرکت‌ها بکار رفته است. از این رو بسته به اینکه تحولات انقلابی براساس کدام مکتب فکری بررسی شود، تحلیل‌گران را به نتایج مختلف می‌رساند و ماهیت و علل به وجود آورنده تحولات از یکدیگر متمایز می‌گردد. به عنوان مثال درحالی که از دیدگاه مکتب لیبرالیسم، این تحولات انقلاب‌هایی لیبرال دموکراتیک و تحت عنوان بیداری ملی معنا می‌شود، از دیدگاه نظریه سازه‌نگاری به عنوان انقلاب‌هایی مذهبی، تحت عنوان بیداری اسلامی خوانده می‌شود. درحالی که از منظر نظریه انتقادی روابط بین‌الملل با الهام از نظریات چپ، این تحولات با نام انقلاب‌های اجتماعی انسانی تحت عنوان بیداری انسانی و یا بیداری اجتماعی و یا طبقاتی معنا می‌شود. (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۲: ۲۲۲-۲۲۳)

درکنار تعابیر بالا اصطلاح بهار عربی از جمله عناوین مهم در توصیف وقایع منطقه بود که توسط رسانه‌های غربی مطرح و شایع گردید. اصطلاح بهار عربی در واقع برگرفته از اصطلاح بهار پراگ بود که طی در آن آزادی‌های فردی و اجتماعی در چک سلواکی گسترش یافت. این دوره از ۵ ژانویه ۱۹۶۸ میلادی (۱۳۴۷ ه.ش) شروع شده و تا ۲۰ اوت همان سال ادامه داشت. این دوره با حمله اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی و متحدانش در پیمان ورشو (به غیر از رومانی) به چک سلواکی به پایان رسید. از آنجا که واقعه بهار پراگ به شکست حرکت مردمی انجامید اطلاق بهار عربی به خیزش‌های منطقه از سوی برخی نشانه موسمی و گذرا بودن این حوادث و فروکش کردن یا ناتوانی این خیزش‌ها در انجام تغییرات اساسی بود. در اینجا مهم‌ترین نظریات مطروحه درباره تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا ارائه می‌گردد.

جدول شماره ۲: تحلیل تحولات غرب آسیا از منظر نظریه‌های لیبرالیستی، سازه‌نگاری و انتقادی روابط

بین‌الملل منبع: (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۳: صفحات ۲۳۰، ۲۳۳ و ۲۳۸)

آثار و اهداف	نامگذاری	سازماندهی و گسترش	علل تحولات	
ایجاد بنیانهای دموکراتیک و ادغام در جامعه اقتصادی جهانی از طریق ایجاد اقتصاد و بازار آزاد	انقلاب‌های لیبرال دموکراتیک	از طریق وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌های ناشی از انقلاب اطلاعات که منجر به کاهش امنیت ملی و رسوخ‌پذیری حاکمیت دولتهای منطقه گردید.	فرآیندهای ناشی از جهانی شدن در ابعاد سیاسی/ فرهنگی و اقتصادی باعث بحران مشروعیت، بروز انتظارات جدید در مردم، تحول مفهوم رعیت به شهروند و گذار از فرهنگ قبیله‌ای به فرهنگ دموکراسی شد.	نظریه لیبرالیستی روابط بین‌الملل
تغییر هویتی دولتهای حاکمه و گسترش ارزش‌ها و هنجارهای اسلامی	انقلاب‌های اسلامی	بازتعریف دوست، دشمن و رقیب در سطح منطقه و در سطح نظام بین‌الملل و ایجاد مرزهای هویتی جدید	ایجاد ساختار فرصت باعث: - برجسته شدن برخی هنجارها و آموزه‌های اسلامی (هنجار مقاومت، جهاد با ظالمان و کفار، شهادت طلبی و...) - تکوین هویت اسلامی - انقلابی برای ملت‌های منطقه - امکان‌پذیری و مشروعیت کنشهای اعتراضی - انقلابی شد.	نظریه سازه‌نگاری روابط بین‌الملل
نیل به رهایی و ایجاد وضع مطلوب با سرنگونی ساختارهای سلطه	انقلاب‌های اجتماعی	آفرینش الگوهای تازه مناسبات اجتماعی و باز صورت‌بندی مفهوم عدالت و مناسبات قدرت و ایجاد نوعی نظم پسااستعماری در منطقه خاورمیانه	تحولات نتیجه دگرگونی در تصورات جمعی پیرامون قدرت حاکم در میان طبقات فرودست جامعه که خود نتیجه روند مستمر دگرگونی در تاریخ است، بود.	نظریه انتقادی روابط بین‌الملل

نظریات رایج درباره علل و عوامل راهبردی تحولات

در ارتباط با تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا نظریه پردازان و تحلیل گران نظرات مختلفی را در ابعاد مختلف از جمله عامل تحولات، ریشه‌های داخلی، ریشه‌های خارجی و آثار و پیامدهای آن مطرح کرده‌اند. در جدول زیر جمع بندی نظریات نشان داده شده است.

جدول شماره ۳: جمع بندی نظریات در ارتباط با علل و عوامل راهبردی تحولات

نظریات در باره تحولات	۱) طراحی کشورهای غربی (۲). شورش علیه استعمار (۳). شکاف‌های اجتماعی (۴). علل اقتصادی (۵). هویت‌یابی اسلامی (۶). فساد حکومت‌ها (۷). تحولات برگرفته از اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی است (نظریه بیداری اسلامی مقام معظم رهبری (مدظله العالی))
ریشه‌های داخلی تحولات	شکست الگوهای غیراسلامی و رشد اسلام‌خواهی، وجود حکومت‌های نامشروع، تمرکز قدرت و ثروت در دست گروهی محدود، نبود دموکراسی، تاثیر شبکه‌های ارتباطاتی و اطلاع‌رسانی
ریشه‌های خارجی تحولات	دخالت قدرت‌های بزرگ، مسئله فلسطین، ارائه نظریات صلح‌جویانه در قبال رژیم صهیونیستی، تأثیر انقلاب اسلامی
آثار و پیامدها	افزایش و تشدید فرقه‌گرایی در منطقه، گسترش خواش‌های متفاوت از اسلام، تقابل الگوهای سیاسی ایدئولوژیک، مرزبندی جدید سیاسی در غرب آسیا و شمال آفریقا، بی‌ثباتی کشورهای منطقه، تضعیف دولت‌های سکولار و غیردموکراتیک وابسته، تنزل جایگاه آمریکا و رژیم صهیونیستی در منطقه، شکل‌گیری نظم منطقه‌ای جدید، تغییر ساختار مادی نظام منطقه‌ای، تحول در ساختار هنجاری نظم منطقه‌ای غرب آسیا، تغییر در الگوهای رفتاری در غرب آسیا، اهمیت یافتن بازیگران غیردولتی تأثیر دوگانه تحولات بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محیط شناسی تحولات ترکیه

ترکیه کنونی با حزب عدالت و توسعه شناخته می‌شود. حزب عدالت و توسعه در ۱۴ اوت ۲۰۰۱ تأسیس شد. این حزب به شجره‌نامه احزاب جنبش اسلامی وابسته است که با حزب نظام ملی در سال ۱۹۷۰ آغاز و با حزب سلامت ملی در ۱۹۷۲، حزب رفاه در ۱۹۸۳ و حزب فضیلت در ۱۹۹۸ تداوم یافت. (احمدی و همکاران، ۱۹:۱۳۹۰). سران حزب عدالت و توسعه به لحاظ تربیت و آموزش، فعالیت سیاسی و گذشته حزبی، اسلام‌گرا هستند، اما از

زمانی که اندیشه تأسیس حزب عدالت و توسعه شکل گرفت، مؤسسان حزب برای برون رفت از فشارهای عظیمی که به جنبش‌های اسلامی در ترکیه وارد می‌آمد، به دنبال گفتمان جدیدی بودند که از ریشه اسلامی آنان جدا نباشد و در عین حال با نظام حاکم برخورد نکند و بهانه‌ای درست نکند که «مرحله ۲۸ فوریه»^۱ بار دیگر تکرار شود و اسلام‌گرایان بار دیگر تحت فشار قرار گیرند. بر این اساس نخستین کنگره حزب عدالت و توسعه با شعار «کار برای تمام ترکیه» تشکیل شد و اردوغان نیز در سخنرانی افتتاحیه موازنه‌ای به عمل آورد و نه از آتاتورک یاد کرد و نه نامی از اسلام به زبان آورد. وی بر اعلامیه جهانی حقوق بشر و موافقت‌نامه اروپایی حقوق بشر و آزادی‌های اساسی تأکید نمود و اظهار داشت که سکولاریسم اصل اساسی صلح اجتماعی و به معنی بی‌طرفی دولت در قبال عقاید دینی است. عبدالله گل نیز یک روز پس از تأسیس حزب اعلام کرد: حزب ما یک حزب دینی نیست و تلاش می‌کنیم که نماینده همه باشیم. در میان مؤسسان، باحجاب و بی‌حجاب، افراد با ریش و بدون ریش وجود دارند، حزب سیاسی وسیله‌ای برای تبلیغ نیست، بلکه برای خدمت است. هدفمان فعالیت و کار برای ارائه مفهوم جدیدی در سیاست است (محمد، ۱۳۸۳: ۱۴۱-۱۵۴). روشنفکران اسلام‌گرای حزب عدالت و توسعه معتقد بودند در فقدان آزادی و دموکراسی، در حد استانداردهای اروپایی، آنان نمی‌توانند شرایط مساعدی برای زندگی دینی فراهم کنند. (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۱)

دولت اردوغان در دوره اول حکومت خود، پرهیز از افراط‌گرایی را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بود. این اقدام باعث شد بسیاری از اتهاماتی که گروه‌های مخالف به دولت اردوغان وارد می‌آوردند و امیدوار بودند بدین وسیله با کمک ارتش و نهادهای لائیک مانع از اجرای برنامه‌های آن شوند را خنثی نماید. حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی ۲۰۰۷ برای اثبات مشی اعتدالی خود، ۱۵۶ نفر از نمایندگان حزب در پارلمان قبلی را که گرایش‌های تند داشتند را از فهرست نامزدهای حزب حذف کرد و چهره‌های شاخص

۱. کودتایی که در سال ۱۹۹۷ منجر به سقوط کابینه و استعفای نجم‌الدین اربکان شد. اربکان از این کودتا به عنوان کودتای پست مدرن یاد می‌کند. اربکان معتقد بود کودتای مذکور طرحی آماده شده توسط رژیم صهیونیستی بود که به دستور آمریکا عملی شد.

سیاسی، دانشگاهی و تکنوکرات را که معروف به میانه‌روی بودند را جایگزین آن‌ها ساخت (اکبری، ۱۳۸۷: ۱۷۶).

اقتصاد ترکیه

از آنجاکه ترکیه درصداست تا سال ۲۰۲۳ در ردیف ده قدرت برتر اقتصادی جهان قرار گیرد، تقویت سطح همکاری در عرصه اقتصاد بین‌الملل برای آن اولویت دارد و این امر ایجاب می‌کند که تعامل بین‌المللی ترکیه در مناطق مختلف جهان فعال‌تر شود. بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ دارای میانگین رشد ۶/۸ درصدی بوده است. از سال ۲۰۰۲ که حزب عدالت و پیشرفت قدرت را به دست گرفت، وضع اقتصادی ترکیه عوض شد. بحران شدید مالی ۲۰۰۱ که ترکیه را تا لب پرتگاه سقوط برده بود، خاتمه یافت و برنامه اصلاحات اقتصادی حزب، تحولی عظیم در اقتصاد ترکیه به وجود آورد. تقریباً هیچ کشوری به‌خوبی ترکیه بحران مالی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹ را از سر نگذرانید. اردوغان به تبعیت از علائق اقتصادی مسلمانان طبقه متوسط که مهم‌ترین پشتیبان انتخاباتی حزب عدالت و پیشرفت بودند، اقتصاد کشور را باز و آزاد کرد و توانست پایگاه اجتماعی و حمایتی خود در میان جامعه را توسعه بخشد. در سایه همین توفیق بود که برخلاف نظر تحلیلگران نه‌تنها حزب عدالت و توسعه نتیجه انتخابات را واگذار نکرد بلکه با ارتقا نقش و منزلت منطقه‌ای، خود را به‌عنوان الگویی جدید و بومی برای کشورهای در حال تحول خاورمیانه و شمال آفریقا مطرح نمود. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین دلیل پیروزی حزب عدالت و توسعه را بایستی در کارآمدی و دستاوردهای این حزب جستجو نمود که ماندگارترین و مؤثرترین عامل توفیق این حزب مسائل اقتصادی است (احمدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۵).

تحولات ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه در نخستین دهه سده ۲۱ به‌ویژه دستاوردهای اقتصادی آن از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر انقلاب‌های جهان عرب بود. افکار عمومی منطقه شاهد رشد روزافزون اقتصادی ترک‌ها بود موفقیت‌های حزب عدالت و توسعه در ترکیه منجر به بهبود شاخص‌های اقتصادی کشور و افزایش سطح رفاه مردم گردید. مردم کشورهای منطقه نیز، رشد صنعت و افزایش محصولات ترکیه در کشور خود

را احساس می‌نمودند. حزب عدالت و توسعه به‌جای آنکه به تقابل با غرب در منطقه پردازد، روی توانایی‌های داخلی سرمایه‌گذاری نمود و به موفقیت‌هایی دست‌یافت.

سیاست خارجی در دوره حزب عدالت و توسعه

جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ترکیه پس از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه بر اساس دو گفتمان تمدنی و رویکرد ژئوپلیتیک شکل گرفت. در واقع می‌توان سیاست خارجی حزب حاکم عدالت و توسعه را در قالب مفهوم و الگوی نو عثمانی‌گرایی این حزب تفسیر و تحلیل کرد که اولین بار در دوران تورگوت اوزل پایه‌گذاری شد و هدف آن برقراری مناسبات گسترده و همه‌جانبه با کلیه کشورهای اطراف ترکیه بود. قطعاً نگاه اوزال دارای تفاوت‌های اساسی با نوعثمانی‌گرایی حزب عدالت و توسعه داشت. در ادبیات حزب عدالت و توسعه، نوعثمانی‌گرایی چارچوبی متکی بر کل‌گفتمان‌های داخلی ترکیه است که این حزب سعی دارد آن را به‌عنوان هویت غالب خود و یک الگوی مناسب برای دیگران نشان دهد (کالچی، ۱۳۸۸: ۷۵). سیاست خارجی ترکیه در دوره حزب عدالت و توسعه بر دو اصل استوار گردید:

۱. حضور فعال منطقه‌ای با اتخاذ قدرت نرم در سیاست خارجی. در این رابطه حل‌وفصل مشکلات با همسایگان، حل‌وفصل اختلافات قومی با افراد و ایفای نقش میانجی در حل‌وفصل مسائل منطقه‌ای، از جمله اقدامات ترکیه محسوب می‌گردد. در تحولات اخیر خاورمیانه، مسائل سوریه موقعیت مناسبی را برای ترکیه فراهم ساخت تا این کشور، هم به جهت پیوستگی جغرافیایی و ژئوپلیتیکی با این کشور از جمله وجود منطقه ژئوپلیتیکی مشترک کردنشین و هم به‌مثابه یک قدرت منطقه‌ای، به ایفای نقش فعال پردازد (قدسی، ۱۳۹۱: ۱۶۲).

۲. معرفی ترکیه به‌عنوان الگویی از یک کشور اسلامی و دموکرات. این اصل در سیاست خارجی ترکیه در دو بعد الگو بودن به‌عنوان یک کشور دموکرات که ترکیه همواره مدعی بوده یک نمونه موفق در جهان اسلام است و نیز الگو بودن به‌عنوان یک کشور مسلمان در جهان اسلام قابل تبیین است. در خیزش‌های مردمی اخیر در

کشورهای خاورمیانه، شاهد حضور بسیار پررنگ دیپلماسی و قدرت نرم ترکیه بودیم. به‌عنوان مثال، راشد الغنوشی رهبر حزب النهضة تونس که در ابتدای این خیزش‌ها گفته بود که انقلاب ما از انقلاب امام خمینی (ره) تأسی نمود، در یک تغییر رویکرد گفت، الگوی ما حزب عدالت و توسعه ترکیه است (خزایی، ۱۳۹۰: ۱۵).

حزب عدالت و توسعه با هدایت داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه دکترین «عمق استراتژیک» را مطرح کرد در واقع دکترین «عمق استراتژیک بیان‌کننده این است که ارزش یک کشور در روابط بین‌الملل، از موقعیت ژئو استراتژیک و عمق تاریخی آن نشئت می‌گیرد. بر همین اساس ژئوپلیتیک، هسته اصلی این دکترین را تشکیل می‌دهد. طبق این دکترین داوود اوغلو استدلال می‌کند «ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود دارای عمق استراتژیک است» و به همین دلیل باید در ردیف کشورهای منحصربه‌فرد قرار گیرد و به‌عنوان یک قدرت مرکزی محسوب شود (پور ابراهیم، ۱۳۹۳: ۱۱۲). به اعتقاد داوود اوغلو ترکیه در سیاست خارجی خود باید بتواند هم‌زمان با تمام مناطق پیرامون خود تعامل کرده و در آن‌ها حضور داشته باشد (اوغلو، ۲۰۰۱: ۶۱۱). البته وی هم‌زمان مدعی است ترکیه به دنبال هژمونگرایی در منطقه نیست بلکه در تلاش است به بهبود روند صلح در منطقه کمک نماید.

ترکیه با این تعریف تازه از خود و سیاست خارجی‌اش، توجه خویش را به خاورمیانه معطوف ساخت. تبدیل خاورمیانه به کانون توجه تلاش‌های سیاست خارجی ترکیه نشان از وجود بعد قدرتمند هویتی در سیاست خارجی جدید این کشور بود. ترکیب این مسئله با تاریخ و جغرافیا در قالب دکترین عمق استراتژیک سبب شد که ترکیه هدف خود در خاورمیانه را از تبدیل شدن به قدرت منطقه‌ای تغییر داده و تبدیل شدن به قدرت مرکزی را در دستور کار خویش قرار دهد و از تمام موقعیت‌هایی که در منطقه فراهم است در راستای رسیدن به این هدف و تثبیت موقعیتش استفاده کند (نصر، ۲۰۰۶: ۸۲).

از نظر رجب طیب اردوغان رهبر حزب عدالت و توسعه، ترکیه تنها کشور خاورمیانه است که می‌تواند با مجموعه‌ای از کشورها مانند ایران، اسرائیل، آمریکا، اعراب و اروپا تعامل داشته باشد و این به‌منزله قدرت نرم ترکیه محسوب می‌شود که کمتر کشوری چنین ظرفیتی

را داراست (امیدی و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۱). در واقع رهبران حزب عدالت و توسعه معتقدند ترکیه به دلیل موقعیت جغرافیایی و تاریخی خاص خود نباید محدود به نقش منطقه‌ای در بالکان یا خاورمیانه شود، زیرا کشوری مرکزی است و نه منطقه‌ای؛ و بایستی نقش رهبری را در چندین منطقه ایفا کند. از طرف دیگر رهبران حزب عدالت و توسعه بر اساس ارزیابی‌های خود معتقد بودند: به دلیل شاخص‌های مدل ترکیه، غرب، مدل مطلوب برای کشورهای اسلامی را مدلی مانند ترکیه معرفی می‌کند. این شاخص‌ها باعث جذابیت و رونق مدل حکومتی ترکیه در بین سایر کشورهای می‌گردد. شاخص‌هایی مانند: اعتدال در سیاست خارجی و تأثیرگذاری فرهنگی (اقبال اسماعیل، ۱۳۹۳: ۴۱). لذا حزب عدالت و توسعه با رسیدن به قدرت، تلاش نمود تا گستره نفوذ خود را به فراتر از مرزهای ترکیه افزایش دهد و در تحولات منطقه‌ای به‌عنوان یک بازیگر اصلی ظاهر شود (صبحی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۷).

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا

ترکیه به واسطه رویکرد نوین به منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا و همچنین ظرفیت تاثیرگذاری و تأثیرپذیری از تحولات این منطقه تلاش دارد به عنوان یک بازیگر فعال ظاهر شود. موضع‌گیری‌های ترکیه و اقدامات عملی آن در قبال انقلاب‌های منطقه، از جمله در قبال مصر و لیبی و نقش‌آفرینی فعال آن در تحولات سیاسی سوریه، عملاً آنکارا را به بازیگری مهم و تأثیرگذار، در تحولات منطقه تبدیل کرده است. بر همین اساس بسیاری از تحلیل‌گران بر این نظرند که ترکیه انقلاب‌های مردمی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا به ویژه ناآرامی‌های سیاسی در سوریه را به منزله فرصتی برای پیش برد راهبرد کلان خود برای تبدیل شدن به بازیگری مهم در معادلات این منطقه قلمداد کرده است. البته رویکردها این کشور در قبال کشورهای دیگری که دستخوش تحولات گردید متفاوت بود.

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات تونس

دولت ترکیه در جریان شکل‌گیری انقلاب مردمی تونس موضع‌گیری سریعی نداشت. در واقع پس از سقوط رژیم بن‌علی و فرار وی به عربستان بود که ترک‌ها سیاست خود

در قبال تونس را فعال کردند. در مورد این که چرا دولت ترکیه در دوره شکل‌گیری انقلاب مردمی در تونس و سقوط رژیم بن علی مواضع صریحی در قبال تحولات این کشور نداشت می‌توان به عوامل مختلفی اشاره کرد که مهم‌ترین آنها سرعت تحولات در تونس بود. در واقع، فاصله زمانی شکل‌گیری انقلاب تا سقوط رژیم سیاسی در تونس آن چنان کوتاه بود که بسیاری از کشورها، از جمله ترکیه، را در وضعیتی غافل‌گیرانه و تردید آمیز قرار داد. سرعت تحولات به اندازه ای بود که دوایر سیاست‌گذاری در ترکیه فرصتی کافی برای ارزیابی شرایط در تونس و ترسیم چشم‌انداز تحولات آتی در این کشور و نیز اتخاذ موضع مناسب با این تحولات نداشتند از سوی دیگر، اهمیت انقلاب تونس نه در زمان وقوع، بلکه ماه‌ها پس از آن معلوم شد و این زمانی بود که سایر ملت‌های منطقه با الهام گرفتن از انقلاب تونس به خیابان‌ها آمده بودند و بر ضد رژیم‌های دیکتاتوری خود انقلاب کردند. از این رو، موضع‌گیری در برابر تحولات تونس از سوی بسیاری از کشورها، همچون ترکیه، در مقایسه با انقلاب‌های بعدی کمتر و کم‌رنگ‌تر بود. (کوردسمان، ۲۰۱۵: ۵) از این رو سیاست خارجی ترکیه، در قبال تونس، به طور نسبی پس از سقوط رژیم بن علی فعال شد.

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات مصر

در ناآرامی‌های مصر که به کناره‌گیری حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر انجامید، دولت ترکیه از جمله مهم‌ترین بازیگران بین‌المللی صحنه تحولات این کشور بود که آشکارا به دلایل مختلف از تظاهرکنندگان مردم مصر حمایت کرد که مهمترین آنها عبارت بود از؛ رقابت استراتژیک دو کشور در منطقه، پایین بودن سطح روابط تجاری میان دو کشور، عدم سرمایه‌گذاری عمده ترکیه در مصر و در نهایت ارتباط و نزدیکی دیدگاه‌های نخبگان سیاسی حزب عدالت و توسعه با گروه اخوان المسلمین.

ترکیه امیدوار بود با به قدرت رسیدن اخوان المسلمین به عنوان گروه فکری متحد حزب عدالت و توسعه و سازماندهی همکاری و اتحاد با دولت جدید، بتواند منافع سیاسی

اقتصادی خود در این کشور تضمین و به اهداف هژمونیک خود در منطقه دست یابد. در چارچوب اهداف فوق بود که ترکیه تحرکات چشمگیری در قبال ناآرامیهای مصر انجام داد. اردوغان رئیس جمهور ترکیه صراحتاً در مصاحبه با شبکه تلویزیونی الجزیره از حسنی مبارک خواست که استعفا دهد. بعد از کناره گیری مبارک، عبدالله گل، رئیس جمهور ترکیه، اولین مقام بلندپایه خارجی بود که از این کشور دیدار کرد و پس از وی اردوغان در سفری تبلیغی در ماه سپتامبر ۲۰۱۱ وارد مصر شد که طی آن پشتیبانی دولتش را، از روند انتقال سیاسی در مصر و برقراری نظم سیاسی تکثرگرا و باز در این کشور، آشکارا ابراز کرد و همچنین به اهمیت تجربه ترکیه در پایه گذاری دستگاه سیاسی سکولار اشاره کرد (صباحی و حاجی‌مینه، ۱۳۹۱: ۱۰۹). مهمترین محورهای مسائل مورد تأکید رهبران ترکیه، در قبال تحولات مصر عبارت بود از: درخواست از حسنی مبارک برای گردن نهادن به خواسته مردم مصر برای ایجاد تغییرات، کوتاهی روند تغییر در مصر در راستای آرزوهای مردم این کشور و لزوم توجه به خواسته‌های معترضان.

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات لیبی

رویکرد ترکیه نسبت به روند تحولات لیبی تا اندازه زیادی متفاوت از رویکردهای آن در قبال دیگر کشورهای درگیر اعتراضات مردمی بود. ترک‌ها در تحولات لیبی با رویکرد محافظه‌کارانه ظاهر شدند. (حسینی و همکاران ۱۳۹۱: ۱۵۴-۱۵۳) جنگ داخلی در لیبی، بحرانی جدی برای ترکیه بود و منافع تجاری و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ترکیه در لیبی و نامشخص بودن نظام سیاسی جایگزین قذافی در ابتدا مانع از حمایت ترکیه از مخالفان قذافی شد اما سرانجام این کشور با کشورهای غربی در لیبی تا اندازه زیادی همراه شد (متقی، ۱۳۹۱: ۲۱-۱۸).

تحولات لیبی سیاست خارجی ترکیه در منطقه را با چالش جدی روبرو کرد و سرمایه‌گذاری هنگفت ترکیه در لیبی را به خطر می‌انداخت. لیبی از اوایل دهه ۱۹۸۰، به شریک اقتصادی استراتژیک ترکیه تبدیل شده بود و تا قبل از وقوع ناآرامی‌های لیبی، ۲۰۰ شرکت ترک در لیبی فعالیت داشتند. به همین علت به اذعان بسیاری از کارشناسان، منافع

اقتصادی مهم‌ترین عامل مواضع مبهم ترکیه در قبال لیبی بود، چنانکه در آغاز تحولات لیبی، ترکیه از اتخاذ موضعی شفاف و قاطع خودداری کرد اما با شروع حمله نظامی ناتو و پیشرفت اعتراضات علیه حکومت معمر قذافی، مواضع این کشور تغییر کرد و آنکارا، قذافی را عامل وخامت اوضاع دانست (بیات، ۱۳۹۰: ۱۶۳).

تا پیش از صدور قطعنامه سازمان ملل علیه لیبی و حملات غرب علیه طرفداران رژیم قذافی، مقامات ترکیه آشکارا با هرگونه دخالت نظامی خارجی در لیبی مخالفت می‌کردند. احمد داوود اوغلو وزیر خارجه ترکیه در شرایطی که بحران لیبی شدت می‌گرفت و قذافی قتل عام مردمش را آغاز کرده بود، اعلام کرد ترکیه هم مخالف کشتار مردم لیبی است و هم با مداخله نظامی خارجی در لیبی مخالفت می‌کند. این اظهارات بلند پایه‌ترین مقام خارجی و مسئول دیپلماسی ترکیه نشان از این واقعیت داشت که مدار سیاست خارجی ترکیه بر منفعت و سود بیشتر می‌چرخد و ترکیه ملاحظات مربوط به سرهنگ قذافی را بیش از خواست و دیدگاه معترضان و مخالفان وی در نظر می‌گیرد امری که به سرمایه‌گذاری‌های ۲۷ میلیارد دلاری ترکیه در لیبی و حضور شرکتهای ترک در لیبی باز می‌گشت. پس از آنکه شورای امنیت سازمان ملل در اقدامی دیر هنگام قطعنامه ای علیه قذافی و کشتار مردم لیبی را صادر کرد که در آن بر ضرورت ایجاد منطقه ممنوعه پروازی و حفاظت از غیرنظامیان تأکید شده بود، ترکیه ناگزیر به حمایت از این قطعنامه پرداخت.

با ادامه عملیات ناتو علیه قذافی، رویکرد ترکیه در ارتباط با لیبی سیاستی دوسویه ولی متمایل به طرفداران قذافی شد. این امر سبب گردید تا انتقادات اعضای ناتو نسبت به جهت‌گیری‌های ترکیه در قبال عملیات نظامی ناتو علیه لیبی بالا گیرد. آنها معتقد بودند ترکیه به دلیل منافع اقتصادی در لیبی و تلاش برای بسط نفوذ سیاسی خود در شمال آفریقا به شکل اعلام نشده‌ای در روند کار ناتو در قبال لیبی کارشکنی می‌کند.

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات سوریه

با شروع تحولات و آغاز اعتراضات در سوریه از اواسط سال ۲۰۱۱ رویکرد رهبران حزب عدالت و توسعه به این کشور تغییر یافت و روابط دو کشور دچار عقب‌گرد شد و

و به تدریج در مسیر تنش پیش رفت تا جایی که به مرحله رویارویی نظامی کشیده شد (دانش‌نیا و هاشمی، ۱۳۹۳: ۴۳-۴۵). دولت ترکیه به رهبری رجب طیب اردوغان در شروع اعتراضات مخالفان حکومت بشار اسد سعی داشت به نوعی نقش میانجی‌گرایانه ایفا کند و تلاش کرد با احتیاط کامل نظام سوریه را به اجرای اصلاحات تشویق کند. واقعیت آن است که منافع گسترده و چشم‌گیر ترکیه در سوریه قابل چشم‌پوشی نبود و به همین دلیل در ابتداء، مقامات آنکارا نظام حاکم بر سوریه را تأیید می‌کردند اما با ادامه روند اعتراضات در سوریه سیاست میانجی‌گرایانه دولت ترکیه به سمت فشار دیپلماتیک بر دولت اسد به منظور انجام اصلاحات دموکراتیک و توجه به خواسته‌های معترضان گرایش پیدا کرد و به نوعی به لحن آمرانه تغییر یافت (اسچنکر، ۲۰۱۱). در همین چارچوب داود اوغلو وزیر خارجه وقت ترکیه در ۹ آگوست ۲۰۱۱ به منظور اتمام حجت با حکومت سوریه به دمشق رفت و کوشید دولت سوریه را به توقف سرکوب معترضان و تسهیل انجام اصلاحات دموکراتیک متقاعد سازد. اما پاسخ منفی دولت اسد به این درخواست‌ها و موضع سوریه که معترضان را گروه‌های مسلح و ترویست می‌دانست، باعث شد اردوغان در لحنی تند و آمرانه اعلام کند که صبر ترکیه در مقابل اقدامات سوریه علیه معترضان به سرآمده و هر چه زودتر باید رفتار دولت سوریه تغییر کند، در غیر این صورت دولت ترکیه ناگزیر است مواضع دیگری اتخاذ کند. اظهاراتی که نشانگر پاره شدن تارهای پیوند سیاسی بین دو کشور بود. بعد از این سفر بود که ترکیه به تحریم‌های آمریکا علیه نظام بانکی و مالی سوریه پیوست.

به دنبال این موضع‌گیری‌ها و دخالت‌های رهبران ترکیه در امور سوریه، دولت این کشور طی بیانیه‌ای سفیر ترکیه در سوریه را عنصر نامطلوب اعلام کرد و در نتیجه دولت ترکیه سفارت خود را در دمشق تعطیل و اردوغان نیز اعلام کرد که دولت اسد به دلیل از دست دادن مشروعیت خود نزد مردم، به زودی سقوط خواهد کرد. بدین ترتیب رهبران حزب عدالت و توسعه با قرار گرفتن در کنار کشورهای غربی و نیز کشورهای عربی غرب آسیا مانند عربستان و قطر در صف مخالفان دولت سوریه قرار گرفت.

با این چرخش، ترکیه به حمایت سیاسی از مخالفان دولت سوریه بخصوص اخوان المسلمین و بویژه جبهه النصره اقدام نمود. این امر ناشی از آن بود که ترک‌ها به علت سنی بودن این گروه‌ها و پیوندهای حزب عدالت توسعه با اخوان المسلمین نسبت به آنها تعهد ارزشی احساس می‌کرد ضمن آنکه آنها را جایگزینی مناسب برای نظام سوریه تصور می‌نمود. ترکیه همچنین برای تحت فشار قرار دادن سوریه اقدام به تشکیل ائتلاف معارضان سوریه کرد و در این راستا نشست‌های مختلف معارضان سوریه را در شهرهای مختلف ترکیه میزبانی کرد. علاوه بر این همزمان با کمک تسلیحاتی به مخالفان مسلح دولت بشار اسد در جهت تقویت آنها تلاش نمود. از یک سو آنها را به سلاحهای ضد هوایما مجهز ساخت و از سوی دیگر برای حمایت بیشتر از مخالفان دولت سوریه برای ایجاد منطقه پرواز ممنوع به منظور دستیابی به منطقه جغرافیایی مستقل در ناحیه شمالی نزدیک به شهر حلب سوریه از هیچ کوششی فروگذار نکرد و به عنوان پایگاهی امن برای سازمان دهی مخالفان اسد عمل نمود (آزاده، ۱۳۹۲: ۱۱۴).

طی سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۶ این سیاست ادامه داشت و ترکیه با برگزاری نشست مخالفان بشار اسد در ترکیه، باز کردن مرزها برای مخالفان، حمایت و تجهیز گروه‌های تروریستی، تکفیری و تندرو مانند داعش^۱ و جبهه النصره^۲ و فرستادن آنها به داخل خاک سوریه کاملاً در مقابل دولت سوریه قرار گرفت (جعفری، ۱۳۹۳). در این دوره ترکیه یکی از اعضای فعال مذاکرات معارضان و دولت سوریه تحت اشراف سازمان ملل موسوم به مذاکرات ژنو بود. تا اینکه ابتکار سیاسی روسیه با عنوان نشست آستانه شکل گرفت. با آغاز این روند ترکیه که از پیروزی معارضان نومید شده بود در کنار روسیه و جمهوری اسلامی ایران به یکی از ارکان اصلی روند آستانه تبدیل شد. روندی که به موازات روند ژنو شکل گرفته و همچنان ادامه دارد.

رویکردهای ترکیه در قبال تحولات عراق

۱. دولت اسلامی عراق و شام: داعش یک گروه سنی، تکفیری، تروریستی به شدت تندرو می باشد.
۲. یک گروه اسلام گرای جهادی در سوریه است که با شبکه القاعده هم پیمان است.

در واقع ترکیه، دو دسته از اهداف را در عراق، دنبال می‌نماید: ۱. اهداف فوری و کوتاه‌مدت (سرکوب حزب کارگران کرد ترکیه)؛ ۲. اهداف استراتژیک و بلندمدت یعنی تغییر در جغرافیای سیاسی و موقعیت ژئوپلیتیکی کردستان؛ دستیابی به منابع ژئواکونومیک در مناطق موصل و کرکوک (صادقی، ۱۳۸۷: ۶۹) ریشه اصلی اختلافات ترکیه با عراق، به رویکرد «نو عثمانی‌گری» ترکیه در منطقه و اختلافات و رویکرد سیاسی متفاوت مقامات دو کشور نسبت به مسائل منطقه برمی‌گردد (زرگری، ۱۳۹۳). دو کشور در مسائلی مانند رابطه آنکارا با اقلیم کردستان در مسئله فروش نفت، مسئله فرار «طارق الهاشمی» به ترکیه و مهمتر از همه برخورد با بحران سوریه دارای اختلافات جدی هستند.

طی سال‌های اخیر ترکیه مشکلات زیادی با عراق را تجربه کرده است. با گسترش فعالیت داعش به‌عنوان یکی از گروه‌های تروریستی مخالف سوریه و ورود نیروهای آن به خاک عراق، دولتمردان ترکیه در صدد برآمدند از فرصت به‌دست‌آمده برای تضعیف بیشتر دولت مرکزی عراق بهره‌برداری کنند. البته علاوه بر تلاش برای تضعیف دولت نوری مالکی به‌عنوان انگیزه دولتمردان ترک در حمایت از داعش، باید به منافع آنها در خرید نفت از این گروه تروریستی بعد از تسلط آنها بر منابع نفتی عراق نیز توجه داشت.

با آغاز حملات و عملیات داعش در خاک عراق و به‌خصوص پس از تصرف غیرمنتظره موصل از سوی این گروه تروریستی، توجه زیادی به فعالیت‌های این گروه و علل پیشروی آن جلب شد؛ علت این امر نیز اهمیت مسئله، یعنی تصرف بخشی از خاک عراق از سوی این گروه تروریستی و پیامدهای داخلی و منطقه‌ای آن بود. در این میان انتشار برخی اسناد و گزارش‌ها حکایت از این مسئله داشت که برخی از دولتهای منطقه از جمله ترکیه که در حمایت از این گروه تروریستی در سوریه نقش داشته‌اند، در حمله و همچنین موفقیت آن در عراق نیز تأثیرگذار بوده‌اند. بدین نحو که ترکیه با ارائه کمک‌های مالی، نظامی، لجستیکی و اطلاعاتی به داعش زمینه را برای پیشروی آن در شرق و شمال عراق فراهم کرد. (همان)

در این مقاله با هدف تبیین الگویی برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) در پی پاسخ به سوالات ذیل بوده‌ایم:

- علل و عوامل راهبردی تحولات در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟
- اهداف و مطلوبیت‌ها ترکیه در قبال تحولات کدام است؟
- نقش ترکیه در تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟
- آثار و پیامدهای تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا بر منطقه و جهان چیست؟
- آثار و نتایج تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

- اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات کدام است؟

- سناریوهای محتمل آینده تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟

در این پژوهش علاوه بر ضرورت شناسایی ادبیات نظری پیرامون مفاهیم کلیدی مانند علل و عوامل راهبردی تحولات، نقش ترکیه در تحولات که دارای ادبیات گسترده‌ای در صحنه منطقه‌ای و جهان است، آثار و پیامدهای تحولات بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است تا الگوی بدست آمده برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) راهگشای سیاستگذاران باشد.

در ابتدا در مطالعه اکتشافی با الهام از روش آمیخته کمی و کیفی و با روش کتابخانه‌ای همراه با استفاده از ابزار فیش برداری، آرشیو، کتاب، مقالات و اینترنت جهت تهیه ادبیات موضوع، مفاهیم کلیدی در ادبیات نظری داخلی و بین‌المللی ترکیه پیرامون کلید واژه‌هایی مانند عوامل راهبردی تحولات، مطلوبیت‌های ترکیه در قبال تحولات، آثار و پیامدهای تحولات بر منطقه و منافع و امنیت ملی کشورمان و سناریوهای محتمل آینده تحولات، مطالعه و با خبرگان ذی ربط مصاحبه و نظرات جمع‌آوری شد. در نتیجه ۷ مقوله و ۹۱ شاخصه و یا گویه استخراج گردید. براساس روند تحولات و همچنین بر مبنای شرایط

کنونی منطقه با بهره‌گیری از منظر چند بعدی به تحولات و با محوریت دستیابی به الگویی برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) پس از شناسایی مولفه‌های کلیدی میزان اثر گذاری هر مولفه بر مبنای ادبیات نظری دسته بندی شد. یافته‌های حاصله از ادبیات نظری در قالب پرسشنامه از متخصصان و صاحب‌نظران دانشگاهی و اجرایی کشور در سطح ملی نظرسنجی شد و گویه‌های تدوین شده مذکور مورد آزمون قرار گرفت. برای دقت بیشتر با روش مصاحبه ساختارمند برگرفته از پرسشنامه و همراه با مراجعه حضوری به صاحب‌نظران، نقایص احتمالی پرسش‌ها رفع شد.

نوع تحقیق

این تحقیق از بعد هدف کاربردی - توسعه ای است.

جامعه آماری

جامعه آماری مورد پژوهش شامل ۵۵ نفر از صاحب‌نظران و اندیشمندان دانشگاهی و مدیران ارشد کشور از سفراء، کارشناسان کشورمان در ترکیه، کارشناسان ذی ربط در ارگان‌های دخیل در ترکیه، اندیشمندانی که در حوزه مطالعاتی دارای تالیفاتی در خصوص تحولات منطقه ترکیه هستند، بود. اکثر صاحب‌نظرانی که در این پژوهش اقدام به تکمیل پرسشنامه کرده اند، دارای مدرک دکتری و حداقل تجربه کاری بالای ۲۵ سال در سطوح بالای مدیریتی کشور بوده اند.

روش نمونه‌گیری و حجم آن

برپایه آنچه بیان شد به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از هر دو روش تجزیه و تحلیل کیفی (تحلیل محتوی) و تجزیه و تحلیل کمی برای استخراج نتایج استفاده گردید. در جدول شماره ۴ مراحل تجزیه و تحلیل نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: دسته‌بندی منابع و داده‌های پژوهش و شیوه تجزیه و تحلیل

مرحله تحقیق	شیوه تجزیه و تحلیل	داده‌ها	مرجع / شیوه گردآوری
مرحله اول	کیفی (تحلیل محتوی)	آراء و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت‌الله علیه)	صحیفه نور
	کیفی (تحلیل محتوی)	آراء و اندیشه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)	پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری و نرم افزار بیانات
	کیفی (تحلیل محتوی)	دیدگاه خبرگان (شامل ده تن از خبرگان و صاحب نظران)	مصاحبه ساختارمند عمیق
مرحله دوم	کمی (آمار استنباطی)	دیدگاه خبرگان	پرسشنامه

دو دسته داده‌های متنی فوق تجمیع و جهت تحلیل محتوی با نرم افزار تحلیل کیفی مکس کیو دی ای^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مرحله ابتدا مفاهیم شناسایی و سپس در قالب هفت دسته مقوله دسته بندی شد. در مرحله بعد طی مصاحبه عمیق و ساختار مند به ۹۱ مولفه دست یافتیم، یافته‌های فوق در قالب پرسشنامه تنظیم گردید. پس از تایید روایی و پایایی پرسشنامه‌ها توسط اساتید و صاحب نظران، ۵۵ پرسشنامه میان خبرگان توزیع گردید که از این تعداد ۴۹ پرسشنامه جمع‌آوری گردید و پاسخ‌ها مورد تجزیه و تحلیل کمی قرار گرفت. در این مرحله متناسب با هریک از پرسش‌ها، فرضیه مناسب تنظیم و به آزمون گذاشته شد. همچنین با استفاده از تحلیل مولفه‌های شناسایی شده برای هر یک از پاسخها، براساس اولویت رتبه‌بندی گردیدند. با توجه به رویکرد حاکم بر تحقیق مبنی بر احصاء مهمترین مفاهیم، مقوله‌ها و مؤلفه‌ها، نقطه نظرات خبرگان با روش نمونه گیری هدفمند مورد توجه قرار گرفت. از طرفی با توجه به حجم قابل توجه تعداد مقوله‌ها و مؤلفه‌ها به منظور بهره گیری بهینه در سنجش موارد احصاء شده، موارد در قالب یک پرسشنامه ساختار یافته بین خبرگان توزیع شد. همچنین به منظور جامعیت بخشی به حجم نمونه جامعه خبرگی، از نمونه گیری گلوله برفی نیز در فرایند انجام کار

استفاده شده است. لذا با بهره گیری از رویکردهای در نظر گرفته شده و با در نظر گرفتن اشباع نظری اطلاعات، حجم نمونه تحقیق به عدد ۴۹ نفر رسید.

ابزار سنجش و روش جمع آوری داده‌ها

به منظور دستیابی به اهداف تحقیق، با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مباحث نظری، پرسشنامه‌ی اولیه که شامل ابعاد و مولفه‌های در خصوص سیاست‌های ترکیه و تحولات پنج کشور مورد مطالعه (تونس، مصر، لیبی، سوریه، عراق) مورد بررسی، تنظیم و در طی نشست‌ها و مصاحبه‌های مستمر با صاحب نظران، متخصصان و اساتید مربوطه اصلاح، تکمیل و مورد بازنگری اساسی قرار گرفت و در نهایت به طراحی گزاره‌هایی پرداخته شد که بتواند با روایی و پایایی مناسب هریک از اجزاء الگو را به لحاظ مفهومی بسنجد. لذا پرسشنامه تحقیق با معرفی اجمالی طرح پژوهش و ارائه چارچوب و سطح مطالعه، بیان تعاریف متغیرهای مربوطه، به ارائه مدل تحلیلی و نیز الگوی مفهومی تحقیق پرداخت.

به منظور بررسی میزان روایی و پایایی پرسشنامه، به ترتیب از روش تحلیل محتوا با رویکرد جامعیت کلی ابزار و ضریب آلفای کرونباخ بر حسب نتایج یک نمونه اولیه ۲۰ تایی از خبرگان استفاده گردید. همچنین با توجه به ماهیت علمی و تجربی جامعه خبرگان، از روش نمونه‌گیری هدفمند (تعمدی) بهره‌گیری شده و با دریافت تعداد ۴۹ پاسخنامه از نمونه آماری، اطلاعات آن با استفاده از نرم افزار مکس کیو دی ای^۱ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش سطح معناداری در نظر گرفته شده برای تحلیل کلیه نتایج استنباطی (یعنی مقدار آلفا) برابر ۵٪ می‌باشد. به عبارت دیگر با اطمینان ۹۵٪ در خصوص رد و یا قبول فرضیه‌های پژوهش تصمیم‌گیری شده است.

یافته‌های تحقیق

بر اساس آنچه بیان شد مسأله تحقیق حاضر عبارت بود از «معلوم نبودن ابعاد و چگونگی نقش و تاثیرگذاری ترکیه بر تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا با تمرکز بر کشورهای تونس،

مصر، لیبی، سوریه و عراق. این مساله از آن جهت اهمیت دارد که نه تنها سیاستها و نقش آفرینی ترکیه در تحولات بر محیط نزدیک جمهوری اسلامی ایران (عراق) و محیط دور آن (سوریه، مصر، تونس و لیبی) تاثیر دارد، بلکه معادله رقابت آمیز میان دو قدرت منطقه یعنی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه ایران را دگرگون می سازد و از این رهگذر می تواند منافع و امنیت ملی کشورمان را تحت تاثیر قرار دهد. براین اساس امید است یافته های این تحقیق علاوه بر کمک به شناخت سیاستهای ترکیه در قبال تحولات، اطلاعات و داده های لازم را برای سیاستگذاری کشورمان در قبال ترکیه و تحولات فراهم سازد.

پاسخ به سوال های تحقیق

از آنجا که پاسخ به سوال اصلی تحقیق مستلزم پاسخگویی به سوال های فرعی تحقیق است یا به عبارت بهتر پاسخ به سوال اصلی برآیند و حاصل پاسخ های سوال های فرعی پژوهش می باشد، ابتدا سوال های فرعی و پاسخ های آنها ارائه می گردد.

پاسخ به سوال فرعی یکم

سوال: علل و عوامل راهبردی تحولات در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟

پاسخ: براساس یافته های پژوهش، مجموعه ای از عوامل داخلی و خارجی در بروز نارضایتی های اجتماعی و شکل گیری اعتراضات دخیل بوده است اما طبق نتایج، عوامل داخلی علت اصلی بروز ناآرامی ها بوده و بیشترین نقش را در شکل گیری اعتراضات داشته اند و عوامل خارجی کمترین تاثیر را داشته است.

طبق یافته های تحقیق، عوامل خارجی مستقیما در شکل گیری تحولات نقش نداشته اند بلکه پس از بروز اعتراضات و خیزش های مردمی شرایط ورود و تاثیرگذاری آنها فراهم گردید. ورود این عوامل باعث پیچیده تر شدن بحران در کشورهای موضوع تحقیق، طولانی شدن مرحله انتقال قدرت و حتی انحراف برخی انقلاب ها از مسیر و اهداف اصلی شده است.

مهمترین اهداف بازیگران خارجی از دخالت و نقش آفرینی سلبی (مهار اعتراضات) یا ایجابی (تشدید دامنه و ابعاد اعتراضات و حمایت از آن) به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. تغییر نقشه ژئوپلیتیک منطقه و ایجاد خاورمیانه جدید.
۲. تأمین منافع ژئوپلیتیک قدرت‌های منطقه‌ای.
۳. تضعیف محور مقاومت و تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی.
۴. اهداف و منافع ژئواکونومی از جمله تحقق مسیرهای جدید انتقال منابع انرژی منطقه.
۵. تضعیف موقعیت و نفوذ منطقه‌ای ایران.
۶. اطماع سرزمینی نسبت به کشورهای منطقه.

پاسخ به سوال فرعی دوم

سوال: اهداف و مطلوبیت‌ها ترکیه در قبال تحولات کدام است؟

پاسخ: براساس یافته‌های تحقیق حاضر که به‌طور قابل توجهی با نتایج مطالعات و تحقیق علمی پیشین در زمینه مطلوبیت‌های سیاست خارجی ترکیه، سازگار است، ترکیه تا قبل از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲ در چارچوب رویکرد کمالیسم، اهتمام ویژه‌ای برای مناسبات با اروپا، آمریکا و به‌طور کلی کشورهای غربی قائل بود اما بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، رهبران این حزب ایده « عمق استراتژیک » سرلوحه سیاست خارجی این کشور قرار گرفت. لذا با تعدیل در سیاست‌های پیشین، چرخش قابل توجهی نسبت به حوزه پیرامونی که شامل کشورهای اسلامی و قلمرو سابق امپراطوری عثمانی در غرب آسیا و شمال افریقا انجام دادند. با این حال و با وجود ادعای آنها مبنی بر پایبندی به مبانی اسلام‌گرایانه، ترکیه در سیاست خارجی ترکیه همچنان برسکولاریسم به عنوان سنگ بنای کمالیسم پایبند ماند.

براساس آنچه بیان شد و طبق نتایج تحلیل‌های استنباطی که به منظور رتبه‌بندی مطلوبیت‌های ترکیه از دیدگاه خبرگان و صاحب‌نظران صورت گرفت، اهداف و مطلوبیت‌های ترکیه به ترتیب اهمیت عبارتند از:

۱. ارتقاء نقش منطقه‌ای و بین‌المللی
۲. جاه‌طلبی‌های شخصی رهبران حزب عدالت و توسعه
۳. پیشبرد راهبرد عثمانی‌گرایی نوین

۴. حمایت از اخوان المسلمین
۵. کسب منافع اقتصادی اعم در حوزه انرژی و غیره
۶. کسب رهبری اهل سنت
۷. منافع ژئوپلتیک و اطماع سرزمینی نسبت به کشورهای منطقه
۸. تضعیف موقعیت ایران در چارچوب رقابت با آن
۹. دفع تهدیدات امنیت ملی ناشی از تهدیدات سرزمینی
۱۰. دنباله روی از امریکا و غرب و پیشبرد اهداف آنها
۱۱. تضعیف محور مقاومت در چارچوب مناسبات با رژیم صهیونیستی

پاسخ به سوال فرعی سوم

سوال: « نقش ترکیه در تحولات کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا کدام است؟ »
براساس یافته‌های تحقیق، ترکیه پس از شکل‌گیری تحولات به جرگه کشورهای تاثیرگذار بر تحولات پیوسته و در مسیر پیشبرد تحولات به اشکال مختلف ایفای نقش کرده است. این کشور در مصر و تونس در کنار انقلابیون قرار گرفت تا جایی که به قیمت به چالش کشیدن مناسبات رسمی میان ترکیه و مصر تمام شد و از اخوان المسلمین مصر حمایت کرد. درخصوص سوریه و عراق آشکارا در کنار گروه‌های معارض نظام سیاسی قرار گرفت به نحوی که در عراق، حکومت مرکزی در بغداد را به چالش کشید و در سوریه مناسبات رسمی با سوریه را قطع و به حمایت همه جانبه سیاسی و نظامی از معارضین پرداخت و همچنان از بازیگران اصلی در صحنه سوریه به حساب می‌رود.

ریشه اصلی رویکردهای متفاوت و متناقض آنکارا می‌توان در ابعاد مختلف منافع ملی و حزب حاکم در این کشور جستجو کرد. در مورد مصر پیوندهای عمیق حزب عدالت و توسعه با اخوان المسلمین مصر، در لیبی منافع اقتصادی گسترده و سرمایه‌گذارهای انبوه در دوره قذافی، در بحرین و یمن همسویی با کشورهای غربی و اعضای شورای همکاری خلیج فارس در «سیاست حفظ وضع موجود» و سرانجام در مورد عراق و سوریه،

فرصت‌طلبی و دخالت مستقیم جهت پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی، مهم‌ترین دلایل تنوع سیاست‌ها و اهداف منطقه‌ای ترکیه بوده است.

پاسخ به سوال فرعی چهارم

سوال: «آثار و پیامدهای تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا بر منطقه و جهان چیست؟ بر پایه نتایج تحلیل استنباطی پاسخ خبرگان که برای شناسایی رتبه‌بندی آثار و نتایج تحولات صورت گرفت، آثار و پیامدهای تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. تشدید رقابت درون منطقه‌ای میان کشورهای منطقه از جمله عربستان، قطر، ترکیه، ایران، عراق و مصر.
۲. تشدید شکاف شیعی - سنی در منطقه و جهان
۳. گسترش ناامنی و تروریسم در منطقه
۴. بهبود امنیت رژیم صهیونیستی در نتیجه گرفتاری و ناآرامی‌های کشورهای اسلامی
۵. تضعیف موقعیت حکام و نظام‌های سیاسی منطقه
۶. کاهش اهمیت قضیه فلسطین در نتیجه مشغولیت کشورهای منطقه
۷. تهدید محور مقاومت در نتیجه مشغولیت سوریه و حزب‌الله
۸. شکل‌گیری تقابل هویتی ایدئولوژیکی در سطح منطقه
۹. دگرگونی ترتیبات امنیتی منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا
۱۰. بازگشت دوباره قدرت‌های بزرگ (روسیه، آمریکا، فرانسه، انگلیس) به منطقه
۱۱. تغییر و دگرگونی در ژئوپلتیک منطقه
۱۲. افزایش بیداری ملت‌های مسلمان منطقه
۱۳. فراهم شدن زمینه تجزیه کشورهای اسلامی در منطقه.
۱۴. تزلزل هیمنه و سلطه آمریکا و کشورهای غربی بر منطقه
۱۵. زمینه‌سازی تغییرات در نظام بین‌المللی
۱۶. افزایش تهدیدات امنیتی اسرائیل

پاسخ به سوال فرعی پنجم

سوال: آثار و نتایج تحولات غرب آسیا و شمال آفریقا بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران چیست؟

پاسخ: براساس یافته‌های تحقیق تحولات کشورهای عربی که در کنار مرزهای ایران و در حوزه نفوذ و تاثیر ایران پدید آمدند به طور قطعی بر جمهوری اسلامی ایران اثر گذاشته است و پیامدهای قابل توجهی را بر منافع و امنیت ملی کشورمان و همچنین موقعیت آن در سطح منطقه و سطح جهان برجای گذاشته است. در نتیجه تحولات برخی مزیت‌ها جمهوری اسلامی ایران تقویت گردیده و در مواردی فرصتهای ارزشمندی را فراروی کشورمان قرار داده است. در حالی که همزمان برخی ظرفیتها و امنیت ملی کشورمان را با چالش روبرو ساخته است. با این حال این آثار و پیامدها از اهمیت و تاثیرگذاری یکسانی برخوردار نیستند.

برپایه نتایج تحلیل استنباطی پاسخ خبرگان که برای رتبه‌بندی آثار و پیامدهای تحولات بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفت، پیامدهای این تحولات بر کشورمان به ترتیب اولویت عبارتند از:

۱. جمهوری اسلامی ایران را به عنوان بازیگر مهم منطقه‌ای مطرح ساخت.
۲. در نتیجه نقش آفرینی ایران در عراق نقش و نفوذ ایران در منطقه ارتقاء یافت.
۳. نقش آفرینی حزب‌الله متحد ایران در برابر گروه‌های تکفیری باعث ارتقاء نقش آن و ایران در منطقه و جهان شد.
۴. در نتیجه نقش آفرینی ایران در سوریه، جایگاه آن در سطح منطقه و جهان ارتقاء یافت.
۵. حضور ایران در سوریه زمینه دستیابی به دریای مدیترانه را فراهم ساخت.
۶. تحولات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از خارج از مرزها تحت تاثیر قرار داد.

۷. تحولات دو قطبی حامیان مقاومت در برابر محور سازش را شدت بخشید.
۸. تحولات و نقش آفرینی ایران در تحولات غرب آسیا و شمال افریقا بر قدرت نرم ایران در سطح منطقه و جهان اسلام اثر گذاشت.
۹. در نتیجه تحولات انسجام کشورهای عربی علیه جمهوری اسلامی ایران شکل گرفت.
۱۰. تحولات از طریق گروه‌های تکفیری مستقیماً بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران اثر گذاشت.
۱۱. منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تحت تاثیر تحولات قرار گرفت.
۱۲. تحولات زمینه مواجهه مستقیم جمهوری اسلامی ایران ورژیم صهیونیستی را فراهم ساخت.
۱۳. در نتیجه تحولات جایگاه جمهوری اسلامی ایران در میان ملت‌های عرب مورد تهدید قرار گرفت.
۱۴. تحولات موجب واگرایی جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال مسائل منطقه شد.
۱۵. تحولات از داخل مرزهای جمهوری اسلامی ایران بر امنیت ملی آن تاثیر گذاشت.
۱۶. در نتیجه تضعیف سوریه‌ی متحد ایران موقعیت جمهوری اسلامی ایران تضعیف گردید.
۱۷. ورود ایران به بحران سوریه و عراق باعث فرسایش اقتصادی و سیاسی ایران شد.

پاسخ به سوال فرعی ششم

سوال: اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات کدام است؟
 پاسخ: براساس یافته‌های تحقیق که از مطالعه و تحلیل محتوی کیفی آراء و اندیشه‌های امام خمینی (رحمت اله علیه) و مقام معظم رهبری (مدظله العالی) استخراج گردید و برای تعیین اولویت و رتبه بندی آنها به آزمون صاجبنظران گذاشته شد و با تحلیل‌های آماری

استنباطی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران به ترتیب اولویت به شرح زیر می‌باشد:

۱. افزایش جایگاه و نقش منطقه‌ای و جهانی ایران.
۲. مقابله با رژیم صهیونیستی و تقویت محور مقاومت.
۳. مقابله با نظام سلطه و تضعیف هژمون امریکا در منطقه.
۴. حفظ و تقویت متحدان راهبردی و جلوگیری از تاثیر تحولات بر متحدان.
۵. تقویت قدرت نرم ایران را در سطح منطقه و جهان اسلام.
۶. تقویت و تحکیم ارزشهای اسلامی.
۷. تغییر ترتیبات امنیتی منطقه متناسب با منافع وامنیت ملی کشور.
۸. تقویت اتحاد و انسجام کشورهای اسلامی.
۹. تقویت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران از طریق تضعیف و تغییر نظام های مخالف.

۱۰. صدور الگوی انقلاب اسلامی.
۱۱. ایجاد نظام های مردم سالار در کشورهای منطقه.
۱۲. تأمین منافع اقتصادی جمهوری اسلامی ایران.
۱۳. قطع وابستگی کشورهای اسلامی به خارج و اتکاء به منابع داخلی.

پاسخ به سوال فرعی هفتم

سوال: سناریوهای محتمل در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) کدام است.

پاسخ: در فرآیند تحقیق با استفاده از مطالعات اکتشافی و مصاحبه‌های عمیق، در مرحله اول سه سناریوی اصلی (خطی - امتداد وضع موجود، بدبینانه و خوشبینانه) با تکیه بر پیشران‌های مختلف شناسایی گردید و به آزمون خبرگان گذاشته شد. براساس پاسخ‌های دریافتی، سناریوی خوشبینانه یعنی فروکش کردن ناآرامی‌ها و سناریوی بدبینانه یعنی

بدتر شدن اوضاع و تشدید بحران در کشورهای دستخوش تحولات از سوی خبرگان رد گردید. اما سناریو خطی تداوم وضع موجود با بیشترین آراء تائید گردید. در کنار سناریوهای اصلی فوق، آینده‌های محتمل برای نتایج و پیامدهای تحولات که در فرآیند تحقیق شناسایی گردید نیز به آزمون خبرگان گذاشته شد. براساس یافته‌های تحقیق سناریوهای زیر تائید گردید:

۱. تقابل هویتی در منطقه، بحران‌های دراز مدت را در پی خواهد داشت.
۲. در نتیجه بیداری ملت‌ها، دورجدیدی از ناآرامی در منطقه آغاز خواهد شد.
۳. دولت‌های دستخوش تحولات، بیش از پیش تضعیف خواهند شد.
۴. ایران هراسی در منطقه افزایش خواهد یافت.
۵. زمینه تجزیه کشورهای منطقه تشدید خواهد شد.
۶. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در منطقه افزایش خواهد یافت.

پاسخ به سوال اصلی

سوال: الگویی برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) کدامند؟

براساس مدل مفهومی تحقیق ویافته‌های آن به‌ویژه تقاطع سه دسته داده‌های زیر:

- مبانی و نظریات علمی در روابط بین‌الملل و مدیریت راهبردی،
 - اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران،
 - پاسخ‌های سوالات فرعی تحقیق،
- می‌توان به پرسش اصلی تحقیق پاسخ داد. با این حال ارائه «ارائه الگویی برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال تحولات» مستلزم بازشناسی دو دسته داده‌های زیر است:

- عدم قطعیت‌ها در رفتار ترکیه و محیط منطقه.

- منافع و مطلوبیت‌های مشترک، معارض و نامربوط جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در کشورهای دستخوش تحولات.

بدون لحاظ نمودن این داده‌ها ارائه راهبرد برای کشورمان در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا میسر نخواهد بود. از این رو ابتدا موارد یادشده تبیین می‌گردد و سپس نسبت به ارائه الگویی برای تدوین راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال نقش آفرینی ترکیه در تحولات شمال آفریقا و غرب آسیا (با تمرکز بر کشورهای تونس، مصر، لیبی، سوریه و عراق) اقدام خواهد شد.

عدم قطعیت‌ها در رفتار ترکیه و محیط منطقه

براساس یافته‌های تحقیق، عدم قطعیت‌های قابل احصاء در رفتار ترکیه و همچنین محیط منطقه‌ای که باید در طراحی راهبردها لحاظ گردند عبارتند از:

۱. چرخش ناگهانی در رویکردهای حزب عدالت و توسعه و ترکیه:
۲. چالش‌های داخلی حزب عدالت و توسعه:
۳. ابهام در وضعیت بازیگران خارجی موثر در تحولات
۴. عرصه‌های اشتراک و تعارض منافع جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در تحولات منطقه

طراحی راهبردها در گروه شناخت و مقایسه اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال تحولات کشورهای منطقه و نسبت آنها با یکدیگر است. جدول زیر نسبت اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در قبال تحولات کشورهای منطقه و همچنین آثار و پیامدهای تحولات بر منافع و امنیت ملی دوکشور را به تفصیل نشان می‌دهد. با توجه به مندرجات جدول اهداف دوکشور در مواردی همسو و مشترک و در مواردی متضاد است. آثار و پیامدهای تحولات نیز بر دوکشور متفاوت می‌باشد، در مواردی مشابه و در مواردی متفاوت است. علاوه بر این جمهوری اسلامی ایران و ترکیه در خصوص هریک از کشورهای موضوع تحقیق نیز دیدگاه‌ها و منافع متفاوتی دارند. براساس یافته‌های تحقیق، رویکردها و اهداف دوکشور در سوریه و عراق که در محیط نزدیک دو کشور قرار

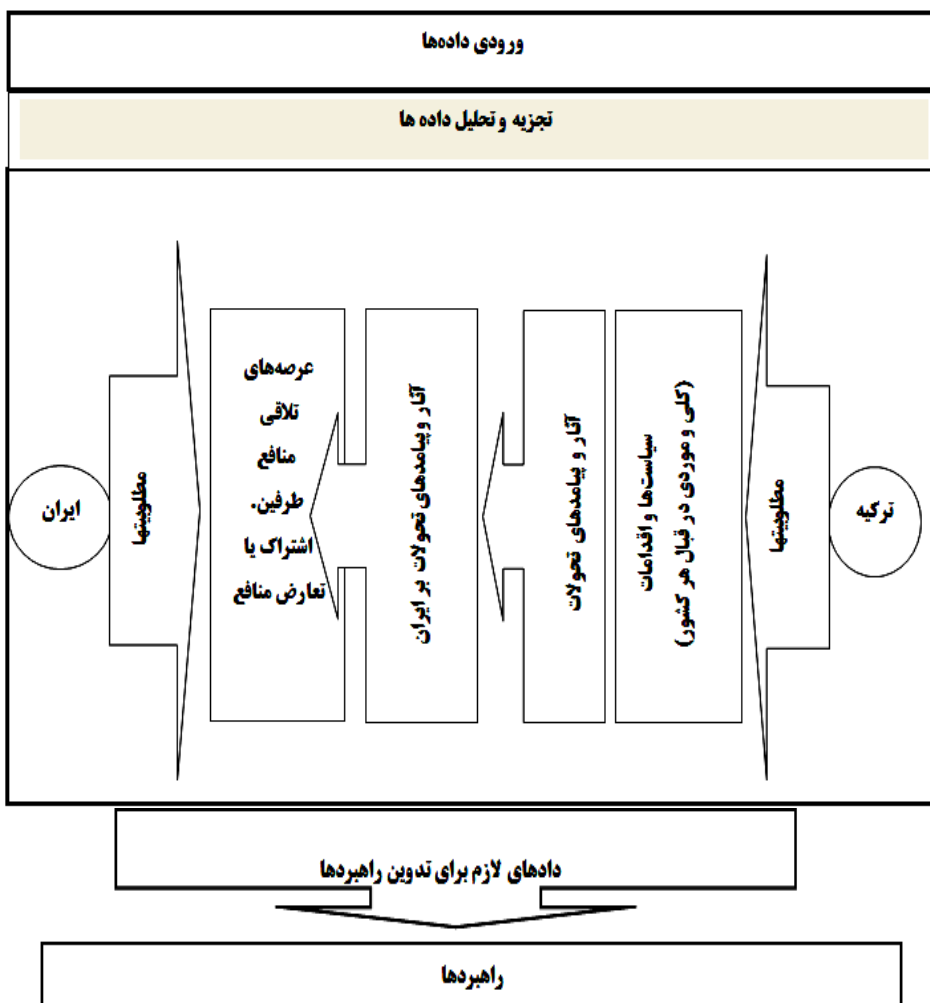
دارند، کاملاً در تضاد با یکدیگر قرار دارد. حال آنکه در خصوص کشورهای مصر، لیبی و تونس که در محیط دور جمهوری اسلامی ایران قرار دارند، اهداف و رویکردهای دو کشور در ارتباط مستقیم با یکدیگر قرار نداشته و مستقل از یکدیگر است.

جدول شماره ۵: عرصه‌های اشتراک و تعارض اهداف و مطلوبیت‌های جمهوری اسلامی ایران و ترکیه

منافع نامربوط	تعارض منافع	اشتراک منافع	نسبت اهداف و مطلوبیت‌های دو کشور و آثار و پیامدها تحولات بر آنها
		✓	افزایش بیداری ملت‌های مسلمان منطقه
		✓	گسترش دموکراسی و مردم‌سالاری در سطح منطقه
		✓	تضعیف موقعیت حکام و نظام‌های سیاسی منطقه
	✓		تشدید رقابت درون منطقه‌ای میان کشورهای منطقه
	✓		تقویت قدرت نرم (ایران / ترکیه) در سطح منطقه و جهان اسلام.
	✓		تغییر موقعیت و بازیگری (ایران / ترکیه) در سطح منطقه و جهان
	✓		تشدید شکاف شیعی - سنی در منطقه و جهان
	✓		رقابت در رهبری جهان اسلام
	✓		تغییر و دگرگونی در ژئوپلیتیک منطقه به نفع (ایران / ترکیه)
	✓		تخریب و تضعیف سوریه
		✓	بازگشت قدرت‌های بزرگ (روسیه، امریکا، فرانسه، انگلیس) به منطقه
	✓		دسترسی ایران به دریای مدیترانه
		✓	گسترش ناامنی و تروریسم در جهان (تهدید)
	✓		اتحاد کشورهای عربی در برابر ایران
		✓	فراهم شدن زمینه تجزیه کشورهای اسلامی در منطقه. (تهدید)
✓			تزلزل هیمنه و سلطه امریکا و کشورهای غربی بر منطقه
	✓		منافع اقتصادی (ایران / ترکیه) در کشورهای منطقه
	✓		تشدید دو قطبی حامیان مقاومت در برابر محور سازش
		✓	شکل‌گیری تقابل هویتی ایدئولوژیکی در سطح منطقه (تهدید)
	✓		کاهش اهمیت قضیه فلسطین
	✓		رویکردها و منافع (ایران / ترکیه) در سوریه
	✓		رویکردها و منافع (ایران / ترکیه) در عراق

✓			رویکردها و منافع (ایران / ترکیه) در مصر
✓			رویکردها و منافع (ایران / ترکیه) در تونس
✓			رویکردها و منافع (ایران / ترکیه) در لیبی

الگوی مفهومی جهت تدوین راهبردهای ج.ا.ایران در قبال تحولات و نقش آفرینی ترکیه



فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- امام خمینی (رحمت الله علیه)، روح الله (۱۳۸۲)، صحیفه امام، ج ۱، ۲، ۴، ۵، ۶، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۹، ۲۱، تهران، دفتر حفظ و نشر آثار امام خمینی (رحمت الله علیه)
- امام خمینی (رحمت الله علیه)، روح الله (۱۳۶۸)، وصیت نامه سیاسی-الهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- امام خامنه‌ای (مدظله العالی)، مجموعه بیانات قابل دسترسی در WWW.Khamenei.ir :
- اسماعیلی، حمیدرضا (۱۳۸۶)، القاعده از پندار تا پدیدار، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- احمدی، حمید، ۱۳۹۰ «بررسی رفتار سیاسی اخوان المسلمین در تحولات مصر و تحلیل نقش آفرینی آن در تحولات آتی»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ش.
- احمدی، حمید. حاتم‌آبادی فراهانی، فاطمه، (۱۳۹۰)، سیاست داخلی و خارجی ترکیه از دیدگاه حزب عدالت و توسعه، دانشنامه حقوق و سیاست، دوره ۷، شماره ۱۵
- اکبری، نورالدین، (۱۳۸۷)، قدرت‌یابی اسلامگرایان در ترکیه و تأثیر آن بر روابط این کشور با ج.ا.ا ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۱۵.
- ابراهیمی ترکمانی. ذبیح‌الله. (۱۳۸۱). شناخت سیاست منطقه‌ای ترکیه و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری. دانشگاه عالی دفاع ملی .
- بوالحسنی. خسرو. (۱۳۹۲). بررسی عوامل ژئوپلیتیک ترکیه و تأثیر آن بر تدوین راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران. رساله دکتری. دانشکده دفاع دانشگاه عالی دفاع ملی .
- بیات، ناصر (۱۳۹۰) نقش ترکیه در تحولات خاورمیانه با تأکید بر تحولات سوریه، فصلنامه رهنامه سیاست‌گذاری، سال دوم، شماره ۲
- پورابراهیم، ناصر، (۱۳۹۳)، سیاست‌های جدید ترکیه در خاورمیانه فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱
- پوراسماعیلی، نجمه، «اتحادیه اروپا و تحولات مصر: امنیت در سایه دموکراسی یا حفظ وضع موجود»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۰ش
- جوکار. مهدی. (۱۳۹۴). گروه پژوهش و تحلیل خبری. ایرنا.
- رحمدل. ناصر. (۱۳۹۴). تحلیل محتوا و پژوهش داده‌بنیاد با استفاده از نرم‌افزار Maxqda ۱۲. نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. تهران.
- زرگری، هادی، ۱۳۹۳، چرایی رویکردهای اخیر سیاست خارجی ترکیه در عراق و سوریه، اندیشکده راهبردی تبیین.
- صالح اصفهانی، اصغر. (۱۳۸۷). الگوی مدیریت راهبردی نیروهای مسلح، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- صادقی، سید شمس الدین، ۱۳۸۷، اهداف و استراتژی ترکیه در شمال عراق و رویکردهای دولتهای منطقه نسبت به آن، فصلنامه راهبرد سال هفده، شماره ۴۹
- متقی، ابراهیم، «نقش عوامل بیرونی در انقلاب مصر»، مرکز بین‌المللی مطالعات صلح، ۱۳۹۰ش.
- متقی، ابراهیم (۱۳۹۰) موازنه‌گرایی راهبردی و مدیریت بحران منطقه‌ای در سیاست امنیتی ترکیه، مجله اطلاعات راهبردی (دوماهنامه)، سال دهم، شماره ۱۱۳

- جعفری، علی. (۱۳۹۳). ارزیابی مواضع ترکیه در قبال تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا قابل دسترسی در <http://www.tisri.org>
- رسولی ثانی آبادی، الهام. (۱۳۹۲). بررسی تحولات انقلابی کشورهای عربی از منظر لیبرالیسم، سازه‌انگاری و نظریه انتقادی روابط بین‌الملل. فصلنامه روابط خارجی، سال پنجم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۲
- صالحی، سیدجواد. ایوب فرج زاده و عباس فرح بخش (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر. دو فصلنامه علمی و پژوهشی جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام دوره ۱، شماره ۳، پاییز و زمستان،
- قدسی، امیر (۱۳۹۱)، تحولات ژئوپلیتیک خاورمیانه و تقابل استراتژی‌ها، فصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، شماره یک.

ب. منابع لاتین

- Cordesman, A. (۲۰۱۱). Rethinking the Arab "Spring". Stability, security in Egypt, Libya, Tunisia and the rest of the MENA region'. Washington, DC: Center for Strategic and International Studies.
- Cordesman, Anthony (۲۰۱۵). "The Changing Security Balance in the Gulf". Center for Strategic and International Studies, at: <http://csis.org/program/changing-securitybalance-in-the-Gulf>.
- Davutoglu, A. (۲۰۰۱). The «Strategic Depth» that Turkey Needs. The Turkish Daily News, ۱۵.
- Schenker, D (۲۰۱۱), Syria and Turkey. Walking Arm in Arm down the same Road?, available in <http://www.brandeis.edu>.